



حسن افراخته

استاد دانشگاه خوارزمی

امنیت غذایی وضعیتی است که همه مردم در همه زمان‌ها، صرف‌نظر از منشأ تأمین غذا، دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند. تأمین غذا؛ بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵، کل تولیدات کشاورزی ایران از ۳۹ میلیون تن به ۱۰۴ میلیون تن افزایش یافته است. دو گروه زراعی با بیشترین میزان افزایش تولید علوفه و سبزی هستند. با وجود دهه‌ها حمایت و حمایت از خودکفایی گندم، میزان افزایش تولید گندم از علوفه و سبزیجات عقب‌تر است. این روند افزایشی در تولید علوفه و سبزیجات عواقب ناگواری برای منابع آبی در ایران دارد زیرا تولید این محصولات تابستانی تقریباً به طور کامل به آبیاری متکی است. متوسط اندازه مزارع در ایران نه تنها کوچک است بلکه با وجود برنامه‌ریزی برای یکپارچه‌سازی اراضی، روند کاهش دارد. امروزه بیش از ۸۵ درصد از مزارع کمتر از ۱۰۰ هکتار وسعت دارند. ابعاد کوچک مزارع، پیامدهای نامناسبی در رابطه با بهره‌وری، پایداری و اقتصاد اجتماعی کشاورزی دارد. علاوه بر محدودیت‌های شناخته‌شده آبی، منابع زمین ایران نیز موانع قابل‌توجهی برای تولید پایدار غذا برای جمعیت رو به رشد ایران ایجاد می‌کند. تنها حدود چهار درصد از

خشکی کشور را می‌توان به عنوان زمین‌های اصلی و بدون محدودیت برای کشت در نظر گرفت که همگی در حال حاضر برای کشاورزی استفاده می‌شوند و این توسعه با هزینه‌های هنگفت تخریب زمین و کاهش منابع آب رخ داده است و این احتمال وجود دارد که کمبود آب و فرسودگی خاک منجر به کاهش ناخواسته و کنترل‌نشده تولید بخش کشاورزی در درازمدت شود.
**تقاضای غذا:** اندازه جمعیت، درآمد سرانه و رژیم غذایی افراد تعیین‌کننده‌های اساسی تقاضای غذا در یک کشور را تشکیل می‌دهند. طی سه دهه گذشته، با وجود کاهش شدید نرخ باروری کل کشور، جمعیت ایران تقریباً یک میلیون نفر در سال افزایش یافته است. بر اساس میانگین‌های بلندمدت، وزن و ارزش کل مواد غذایی مصرفی ایرانیان در سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۱۱۶ میلیون تن و ۳۷ میلیارد دلار بوده است. بر اساس روندهای مورد انتظار جمعیت، درآمد سرانه و قیمت آتی مواد غذایی، پیش‌بینی می‌شود که کل تقاضای غذای ایران از نظر ارزش پولی تا سال ۱۴۰۴ به ۴۶ میلیارد دلار (دلار ثابت) برسد.

## کمبود آب، کشاورزی و امنیت غذایی

**کمبود آب:** میانگین بارندگی کشور بین سال‌های ۱۳۵۹– ۱۳۸۹، به میزان ۱۰۵ میلی‌متر در سال کاهش یافته است. علاوه بر این کاهش بارندگی، میانگین دمای سالانه ایران ۰۰۴ درجه سانتی‌گراد در هر دهه افزایش یافته که منجر به تلفات بیشتر آب از طریق تبخیر و تعرق شده است. در نتیجه اثرات ترکیبی این دو عامل، سبب شده که آب در دسترس در ایران به طور متوسط از ۱۲۵میلیارد مترمکعب به ۸۹ میلیارد مترمکعب کاهش یابد.

**باور رایج:** باور رایج آن است که روش‌های آبیاری با تکنولوژی بالا (به عنوان مثال، آبیاری قطره‌ای) باعث صرفه‌جویی قابل توجهی در آب با افزایش راندمان آبیاری می‌شود. چنین اظهاراتی می‌تواند برای صرفه‌جویی در مزارع منفرد معتبر باشد، ولی دو پیامد ناخواسته در مقیاس حوضه‌های وسیع هنگام تغییر از آبیاری سنتی به آبیاری مدرن رخ می‌دهد که نادیده گرفته می‌شود:

اولا، بخشی از آنچه در آبیاری سنتی به عنوان هدررفت آب در نظر گرفته می‌شود، در واقع قابل بازیافت است و از طریق بازگشت به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها یا با نفوذ به

**طرح ساخت ۴ میلیون مسکن دولت رئیسی ایرادهای اساسی شهرسازی دارد و به تشدید معضلات کلان شهرها می انجامد**

# وعده دردسر آفرین



**زینب خدایی؛** وعده ساخت چهار میلیون واحد مسکونی از سوی ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری تاکنون به جایی نرسیده است اما فارغ از اینکه این وعده تا پایان دوره ریاست جمهوری او به سرانجام برسد یا نه، کارشناسان بر این باور هستند که طرح نهضت ملی مسکن از اساس ایرادهای بزرگی از منظر شهرسازی دارد و چنانچه این طرح به اجرا برسد، عرضه‌های وحیمی گریبان کلان‌شهرها را خواهد گرفت؛ عرضه‌ای که تراکم جمعیت و تشدید وخامت توزیع منابع شهری تنها یکی از آنها خواهد بود. توسعه عمودی شهر و افزایش جمعیت کلان‌شهرها و در نتیجه تشدید تقاضای زمین و مسکن به وخامت بیشتر وضعیت نوری منجر شده و به‌جز این مشکلات متعدد ناشی از توسعه عمودی کلان‌شهرها، عرضه‌های محیط‌زیستی، کمبود پارکینگ و وسایل حمل‌ونقل شهری، کمبود فضای سبز و کمبود منابع آب و… بخشی از مشکلاتی هستند که با اجرای طرح رئیسی در بازار مسکن به آن دامن زده می‌شود.

استیضاح وزیر راه و شهرسازی به نقل از عضو کمیسیون عمران

مجلس شورای اسلامی منتشر شد. خبری که انتشارش، بعد از مطرح‌شدن احتمال اجرای طرح تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت راه و شهرسازی درخصوص پیشبرد طرح نهضت ملی مسکن، چندان هم دور از ذهن نبود. البته طولی نکشید که این خبر از سوی عضو کمیسیون عمران مجلس تکذیب شد و جزئیات ماجرا به کلی در حاله‌های از ابهام فرورفت اما فارغ از صحت و سقیمت مسأله‌ای استیضاح وزیر، از دیدگاه کارشناسان اینکه وضعیت مسکن، به گونه‌ای پیش رفته که پای طرح چنین مسئله‌ای در رسانه‌ها باز شده، خود حامل پیام مهم‌تری است که با استناد به آمار و شواهد موجود، شک و شبهه‌ای نیز به آن وارد نیست؛ آن‌هم اینکه روند فعلی پیشبرد طرح نهضت ملی مسکن در نسبت با وعده داده‌شده دولت، تاکنون حتی موفق به جلب رضایت حداقلی مردم و کارشناسان نیز نشده است؛ اما چرا؟

**بافت فرسوده؛ جاده خاکی مسکن‌سازی**

بخشی از پاسخ جرابی وضعیت فعلی معضل مسکن در کلان‌شهرها و به‌خصوص تهران، به رویکرد انتخابی دولت در نحوه اجرای طرح نهضت ملی مسکن بازمی‌گردد. اصرار و تأکیدهای مستمر مسئولان درباره استفاده از ظرفیت‌های کمبود فرسوده برای ساخت مسکن -که در چند ماه اخیر نیز به نقطه اوج خودش رسیده- این مناطق را به مهم‌ترین جبهه تأمین مسکن در شهرها تبدیل کرده است. تا جایی که به گفته مهدی هدایت، مدیرعامل نوسازی شهر تهران سهم ۲۰۰ هزار واحدی از طرح ساخت یک میلیون مسکن در سال، برای بافت‌های فرسوده در نظر گرفته شده است. نقطه ضعف و تهدیدی که تا پیش از است که چیزی حدود یک‌پنجم واحدهای مسکونی طرح نهضت ملی مسکن را در بافت فرسوده بسازد.

این به آن معناست که دولت می‌خواهد برای تحقق وعده

مسکنی خود، به‌جای گزینه‌هایی مثل بازکردن کمربند محدوده شهری، از تراکم‌افزایی در زمین‌های درون محدوده شهر استفاده کند و با این کار علاوه بر سروسامان‌دادن به بافت‌های فرسوده، در راستای ساخت مسکن جدید هم گامی برداشته باشد. در ظاهر امر، تصمیم پرسود و کم‌ریزان به نظر می‌رسد؛ چراکه به‌هرحال پای یک تیر در میان است و چند نشان… اما غافل از اینکه چندی جز پرسش اساسی و تعیین‌کننده در این عین خالی است:

اینکه این طرح اساساً چقدر قابلیت اجرایی دارد و بافت فرسوده تا چه اندازه پذیرای بارگذاری تراکم و جمعیت بیشتر است؟ حتی بر فرض امکان اجرایی‌شدن، این رویکرد چه تبعاتی را بر ساکنان فعلی بافت‌های فرسوده تحمیل خواهد کرد؟

**زبان آمار؛ نمی‌شود!**

بر اساس گزارش مرکز آمار، تعداد سالانه پروانه‌های ساختمانی صادرشده در بافت فرسوده شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ به‌طور میانگین، عددی برابر با هزار و ۹۰۰ بوده است. همچنین طبق گفته محمد آیینی، معاون وزیر راه و شهرسازی، در ۱۵ سال گذشته تنها ۲۱۰ هزار واحد از ساختمان‌های بافت فرسوده در سراسر کشور تخریب و نوسازی شده است. این دو گزاره زمانی معنا پیدا می‌کنند که در کنار ادعای دولت مبنی بر امکان ساخت سالانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در بافت فرسوده قرار بگیرند. آمارها نشان می‌دهند که ادعای گفته‌شده، خیلی بیشتر از آن چیزی است که در عمل امکان عملیاتی‌شدن داشته باشد و در بهترین حالت، یک خطای محاسباتی اساسی در وزارت راه و شهرسازی رخ داده است. در واقع پهنانه‌ترین حالت نیز می‌توان گفت متوالیان امر به‌منظور اجرای ماده ۱۲ قانون جهش تولید مسکن مبنی بر اولویت استفاده از ظرفیت اراضی درون‌شهری در بافت فرسوده، دچار زیاده‌روی شده و در عمل به سمت سوءاستفاده

زمین برای تغذیه سفره‌های زیرزمینی، به آب محیط زیست کمک می‌کند. ثانیاً، در غیاب کنترل فیزیکی منابع آب توسط دولت، نوسازی سیستم‌های آبیاری به‌طور طبیعی منجر به گسترش زمین‌های زراعی می‌شود، زیرا در کشور کم‌آبی مانند ایران، تا زمانی که آب در دسترس باشد، تمایل به استفاده وجود دارد. در حال حاضر حدود ۲۴ درصد از کل مساحت ایران تحت تنش بحرانی آب زیرزمینی قرار دارند. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ۳۴ درصد از اراضی آبی موجود ایران (شامل محصولات زراعی و باغات) در مناطق طبقه‌بندی‌شده به عنوان تنش بحرانی، ۱۹ درصد در اراضی با تنش بالا و ۴۷ درصد در اراضی بدون تنش یا حداقل تنش آب زیرزمینی قرار دارند. ارزیابی ویژگی‌های خاک و زمین سرزمین ایران، نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از اراضی آبی موجود ایران در مناطقی قرار دارند که به‌عنوان نامناسب طبقه‌بندی شده‌اند و ۳۳ درصد در زمین‌هایی با طبقه مناسب بسیار ضعیف قرار دارند. **نتیجه:** تأمین امنیت غذایی ایران نیاز فوری به کار کارشناسی و سیاست‌گذاری خردمدانه دارد.



• عکس: عمودی، پانگ، حام حام

**اقتصاد سیاسی، منطق پیشران در بازسازی بافت فرسوده**

عصر برسانزنده هویت هر شهری، مردمان آن شهر هستند، اگر قرار است شهر به هر نحوی دچار تغییر و تحول شود، منفعت و رضایت ساکنان آن اولین پیش شرط است. در فرایند بازسازی بافت‌های فرسوده، گران‌شدن قطعی شهر پیامد ناگزیری است که دامان ساکنان را خواهد گرفت. ساکنانی که اغلب جزء دهک‌های پایین جامعه محسوب می‌شوند و با گران‌شدن شهر دیگر قادر به ادامه سکونت در این مناطق نخواهند بود.

ایمان واقفی، پژوهشگر جامعه‌شناسی برنامه‌ریزی شهری، دراین‌باره در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد: «در رویکرد فعلی بافت‌های فرسوده درون فرایند اقتصاد سیاسی شهر افتاده‌اند. در اقتصاد سیاسی شهر، توسعه‌یافتن و ارزشمندشدن اطراف بافت فرسوده، مناطق فرسوده را هم ارزشمند کرده است. منطق جدید نوسازی بافت فرسوده منطق اقتصاد سیاسی است نه منطق احضار مجدد هویت سابق. طبق این منطق که عملاً مکانیسم تجمیع را پیش می‌برد، با نوسازی، بافت قبلی گران می‌شود و ساکنانی که اغلب از طبقات کارگری و تنگدست هستند دیگر نمی‌توانند صاحب خانه باقی بمانند». با وجود تبعات آشکار تراکم‌افزایی در بافت‌های فرسوده و اصرار و پافشاری مسئولان همچنان ادامه دارد. حال جای این پرسش است که رویکردی که عامل نارضایتی مردم و حتی کارشناسان شهری از طرح نهضت ملی مسکن و وزارت راه و شهرسازی است، دقیقاً چرا و برای چه کسانی اجرا می‌شود؟

**ادامه از صفحه اول**

### سقوط طبقه متوسط

هنگامی که بسیاری از کارمندان یقه‌سفید در کارهای مجازی مانند پیک‌های اسنپ، فست‌فودها، کارگران فصلی، رستوران‌ها و… به کار دوم برای تأمین زندگی‌شان مشغول‌اند، قطعا آن جامعه بیمار است و مشکلات اقتصادی عدیده‌ای دارد. طبقه بالای جامعه مهاجرت را به‌راحتی پذیرفته‌اند و تا جایی که حتی ساکن‌شدن در کشورهای هم‌جوار و منطقه را بر کنتر و ترجیح می‌دهند. کافی است رشد تصاعدی آمار مهاجرت پزشکان و مهندسان در این چند سال اخیر به کشورهای ترکیه، امارات و قطر رصد شود. شوربختانه طبقه متوسط پایین اوضاع بغرنج‌تری دارند و هر روز شدت فقر آنان بیشتر می‌شود، به حاشیه رانده‌شدن از مرکز شهرها به اطراف آن و سکونت در مراکزی که به‌هیچ‌وجه شبایسته آنان نیست، به خاطر معضلات مسکن، رو به ازدیاد است، میانگین این طبقه حتی نسبت به کل جامعه در حال افزایش است؛ چون خط فقر در حال گسترش است، اکنون طبقه متوسط نیاز به حمایت دارند و هر روز که می‌گذرد، شکافی عمیق‌تر در دل جامعه باز می‌شود.

### پیامدهای رفتار سطحی‌نگران برای جامعه ودین

مگر نه این است که پیغمبر فرمود «دو دسته پشت مرا شکستند؛ عالمان غیرمتعهد و جاهلان مقدس‌مآب»؛ زیرا این جاهلان گمان می‌کنند که حق را کاملاً دریافته‌اند و همه را از مسیر دین بیرون می‌دانند. دغدغه اسلام را دارند؛ اما بیشترین ضربه را به دین می‌زنند. گروهی شهید مظهری، گروهی تک‌نظر که اسلام و مسلمانان را در چهاردیواری اندیشه‌های محدود خود محصور کرده، ادعا می‌کنند که همه بد می‌فهمند و راه خطا می‌روند. به دلیل تنگ‌نظری، زود تکفیر و تفسیق می‌کنند. وای به حال جامعه‌ای که اینان بالا آیند و موقعیتی پیدا کنند و تصمیم‌ساز شوند. چه خسارت‌هایی که برای دین و جامعه به بار نمی‌آورند. آنان با رفتارشان موجب دین‌گریزی می‌شوند. چنان‌که حضرت علی خطاب به خوارج فرمود: «شما تیرهایی هستید در دست شیطان که از شما برای زدن نشانه خود استفاده می‌کند و به وسیله شما، مردم را در تردید و گمراهی قرار می‌دهد».

سطحی‌نگری دینی و ناتوانایی در تحلیل اجتماعی موجب می‌شود تا گاه از دیوار سفارتخانه‌ای بالا روند و به آن افتخار کنند. گاه بر دیوار سفارتخانه‌ای شعارنویسی کنند و از بیت‌المال، هزینه‌های آن پرداخت شود. با وجود اینکه گسترش فقر در جامعه موجب رشد آسیب‌های اجتماعی می‌شود، چنان‌که به گفته یک نماینده مجلس، جمعیت زیر خط فقر به بیش از ۳۰ میلیون نفر یعنی بیش از ۳۵ درصد مردم رسیده است، دغدغه اینان، مسائل جزئی و حاشیه‌ای است. پیامبر فرمود اگر فقر از دری وارد شود، ایمان از دری دیگر خارج می‌شود؛ یعنی فقر مادر بی‌ایمانی، کج‌ایمانی و رشد گناهان در جامعه می‌شود. امروز فقر منکر بزرگ کشور ماست.